

بررسی تطبیقی روش تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مفسران معاصر فریقین در حکمرانی قرآنی سوره برائت

| خدیجه احمدی بیغش* |

چکیده

تک‌تک آیات قرآن کریم به مثابه قوانین اساسی زندگی بشرند و این مهم در جایگاه تمدن‌سازی ایمان به معارف قرآن و عمل همه‌جانبه به آن، متضمن سعادت افراد و جوامع، و متعارض با منافع حاکمان ستمگر است. از این رو آنان همواره در تلاشند جوامع اسلامی و آحاد ملت مسلمان را در بی‌خبری از مفاهیم عمیق و نجات‌بخش قرآن قرار دهند. آیت‌الله خامنه‌ای مفسر معاصر قرآن با رویکرد عصری، سیاسی و اجتماعی می‌باشد که آراء تفسیری‌اش معطوف به مسائل حکمرانی قرآنی است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد که برون‌دادهای روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در حکمرانی قرآن در سوره برائت چیست و با دستاوردهای سایر مفسران معاصر که رویکرد اجتماعی داشته‌اند، چه تفاوت‌هایی دارد. بررسی توصیفی تحلیلی این مسأله حاکی از آن است که نگرش سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر مراد الهی تا بدانجا می‌باشد که معرفی و تفکیک سوره‌های مکی از مدنی را با معیار قبل و بعد از تشکیل حکومت اسلامی پیش گرفت، تا فرق میان این دو زمان را با حکومت‌ورزی تعیین کرده و با تطبیق مسائل پس از هجرت با مسائل انقلاب اسلامی، حکمرانی دینی رسول‌الله (ص)، معیاری برای مدیریت جامعه بر محور قرآن و دین قرار گیرد. توصیفات، داورها و دستورات پروردگار حکیم در سوره برائت شامل نمایش تجلی اقتدار کامل مسلمانان بر مشرکان، بیزاری از مشرکان پیمان‌شکن در مدینه، پرداختن به وقایع پس از فتح مکه، ماجرای جنگ تبوک و متخلفان آن، حج گزاردن مؤمنان، بازگشت از جنگ تبوک، حجة‌الوداع و مأموریت الهی پیامبر (ص) بر قرائت آیات برائت از مشرکان پیمان‌شکن در این مراسم، از جمله

۱. عضو هیئت علمی و استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

A Comparative Study of Interpretive Method of Ayatollah Khamenei and Contemporary Commentators of both Shia and Sunni Schools on the Quranic Governance of Surah Al-Bara'at

Khadijeh Ahmadi-Biqash *

Faculty member and assistant professor of the Quran and Hadith Department, Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University

Abstract

The Quran is considered a foundational text for human life, with every verse serving as a fundamental law. This belief, which underpins the creation of a Quran-centered civilization, promises individual and societal well-being. However, it conflicts with the interests of tyrannical rulers, who have historically sought to suppress the Quran's liberating concepts and keep Islamic societies uninformed. Ayatollah Khamenei is a contemporary Quranic commentator renowned for his modern, political, and social approach. His interpretations focus on the Quran's implications for governance. This research aims to analyze the outcomes of Ayatollah Khamenei's interpretive method on the Quranic governance of Surah al-Bara'at and compare them to those of other contemporary social commentators. A descriptive-analytical study reveals that Ayatollah Khamenei's political and social perspective led him to distinguish between Makki and Madani surahs based on the establishment of the Islamic government. This distinction was used to identify changes in governance over time and establish the Prophet's governance as a Quranic model. Ayatollah Khamenei's analysis of Surah al-Bara'at highlights several key political and social issues often overlooked by other commentators. These include: the complete authority of Muslims over polytheists, the condemnation of covenant-breaking polytheists in Medina, events after the conquest of Mecca, the Tabuk war and its defectors, the pilgrimage of believers, the return from the Tabuk war, the Farewell Pilgrimage, and the Prophet's mission to recite verses disavowing covenant-breaking polytheists during this ceremony.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Quranic governance, Surah Al-Bara'at, Shia, Sunni.

* Email: Kh.ahmadi@modares.ac.ir (Corresponding Author)

مباحث مهم سیاسی اجتماعی ناظر به حکمرانی قرآن در این سوره می‌باشد که از دید غالب مفسران فریقین مغفول مانده است.
واژگان کلیدی: حکمرانی قرآنی، سوره براءت، آیت‌الله خامنه‌ای.

مقدمه

تفسیر قرآن تلاشی به‌منظور کشف مرادهای جدی خداوند متعال از آیات قرآن است. پرده‌گشایی از حقیقت مراد الهی در آیات، علاوه بر نیازمندی به دانش و تخصص مناسب پرده‌گشایی از آیات، نیاز به درک مناسب مفسر از سؤالات عصری و قدرت استنباط پاسخ‌ها از آیات قرآن را دارد. تتبع در وقایع خارج از قرآن مانند: مبانی، اصول، قواعد، روش‌های تفسیر متأثر از نیازهای علمی و تخصصی، مناهج و رویکردهای تفسیری مفسران و... را نیز می‌طلبد. درک مسائل عصری حاصل حساسیت مفسر به وقایع بیرونی بر ذهنیت مفسر است. تفسیر عصری از جمله رویکردهای تفسیری می‌باشد. این رویکرد تفسیری با هدف نمایاندن ابعاد اجتماعی قرآن در حاکمیت مطلوب اسلامی شکل گرفت و تا اتمام بر حکمرانی بایسته‌های نظامات سیاسی پیش رفت. کاربست واژه «حکمرانی» به جای «حکومت» از دهه ۱۹۸۰ به بعد، تغییراتی در نگرش مردم در جهان به وجود آورد و با مبنا قرار دادن پیوند میان نهادهای مرکزی حکومت با فعالیت‌های غیررسمی و مردمی، تصمیم‌گیری در امور عمومی و اجتماعی را مقتدرانه پیش گرفت. از این رو حکمرانی بر تمام فرایندها، قوانین و هنجارهای اداره اموری گفته شد که از سوی دولت، بازار، خانواده، قبیله، سازمان‌های رسمی و غیررسمی اعمال می‌شوند. گرچه وجه اشتراک سیاست و حکومت، با حکمرانی، در فرایند اداره امور است، اما تأکید بر نقش‌آفرینی همه نهادهای غیردولتی و غیررسمی و همکاری اجتماعی برای اداره امور، وجه تمایز حکمرانی با دیگر مقوله‌های سیاسی می‌باشد. این شیوه تعاملات درون جوامع، تحولی در نگاه اجتماعی سیاسی به وجود آورد که پیش‌تر در قرآن و شکل‌گیری حکمرانی جامعه اسلامی، در قالب خطابات عمومی به مسلمانان در پدیده‌هایی چون احکام سیاسی، انتظامی، نظامی و قضایی محقق شده بود و ارزش‌های عمومی و درونی‌سازی آن‌ها در بستر اجتماع را عامل مهمی در پذیرش بندگی توحیدی مقبول و مشروع الهی می‌داند. به‌رروی تحولات سیاسی، معطوف به حکمرانی موجب ایجاد نگاه تحول‌گرایانه مفسران در برداشت از قرآن شد و تفسیر عصری که میدان‌دار توجه به امور اجتماعی سیاسی بود، جلوه‌ای دیگر یافت. آیت‌الله خامنه‌ای از جمله مفسران معاصر قرآن با رویکرد عصری، سیاسی و اجتماعی است که از مهم‌ترین فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی ایشان در دوران خفقان پهلوی، برگزاری جلسات تفسیر قرآن برای عموم مردم بود. ایشان در بازه زمانی میان سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ جلسات تفسیر خود را با تفسیر ده سوره مدنی قرآن شامل:

برائت، حمد، بقره، حشر، منافقون و... در کنار تفسیر پراکنده برخی آیات پیش گرفت. سوره برائت پیش از پیروزی انقلاب، سوره‌های جزء ۲۸ قرآن شامل مجادله، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، منافقون و تغابن در دوره ریاست‌جمهوری، سوره‌های حمد و بخشی از سوره بقره در دوران رهبری معظم‌له انجام گرفته است. دیدگاه‌های تفسیری‌شان کاملاً ناظر به مسائل اجتماعی و حکومت ارزش‌های اسلامی و مقابله با ضد ارزش‌های انسانی بوده و با اهتمام تام از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب در شکل‌گیری حکومت اسلامی، عهده‌دار مسئولیت‌های خطیری در مدیریت و راهبری پس از پیروزی انقلاب اسلامی بودند. سوره برائت در زمره نخستین سوره‌هایی است (۱۳۵۱ش) که آیت‌الله خامنه‌ای براساس مضامینی اجتماعی، هدایتی، انقلابی، تربیتی آن، لزوم حکمرانی دین در عرصه اجتماع و مبارزه با طاغوت را تصریح داشته است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵). بررسی دیدگاه ایشان در حکمرانی قرآن در سوره برائت و تطبیق آن با برخی مفسران فریقین معاصر با رویکرد تفسیر عصری، اجتماعی و سیاسی، مسأله تحقیق پیش‌روست تا قضایای عمومی و راهبردی حکمرانی قرآن از آن شناسایی و استنباط گردد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات متعددی مسأله حکمرانی قرآن در ابعاد گوناگون آن را مورد پردازش قرار داده‌اند، از جمله:

- مقاله: چارچوب پاسخ‌گویی قرآنی: مدلی برای حکمرانی اسلامی، نوشته مهدی امیری، مجله رهیافت‌های نوین حکمرانی اسلامی (۱۴۰۲)، تبیین ابعاد مدیریت اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله: واکاوی مؤلفه‌های سبک زندگی مدیران در حکمرانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته اصغر رجبی، مجله رهیافت‌های نوین حکمرانی اسلامی (۱۴۰۱)، سبک زندگی مدیران در نظام جمهوری اسلامی ایران و تأثیرات منفی سبک زندگی غربی در ابعاد فردی و اجتماعی مدیران را مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله: الگویابی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی، نوشته بهادر زارعی، مجله حکومت اسلامی (۱۴۰۰)، با روش تحلیل کیفی، استخراج مؤلفه‌های حکمرانی متعالی، نقش و تأثیر آن‌ها بر مقبولیت و کارآمدی و ثبات سیاسی جامعه را بررسی کرده است.

- مقاله: تقویت حکومت اسلامی براساس مؤلفه‌های قرآنی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته محمد محمدعلی، مجله حکومت اسلامی (۱۳۹۸)، دیدگاه معظم‌له در مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ و مدیریت جهادی که در تقویت حکومت اسلامی نقش به‌سزایی دارند، بررسی کرده است.

- کتاب: تفسیر سوره برائت، نشر انقلاب اسلامی (۱۳۹۹)، با جمع‌آوری دروس آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۵۱، موضع‌گیری‌های جامعه اسلامی عصر نزول را در ابعاد گوناگون، تفسیر و تدبیر و تطبیق کرده است.

- کتاب: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، نشر صهبا (۱۳۹۷)، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰)، در ولایت و حکومت را در یک مجموعه احصاء و تدوین کرده است.

- کتاب: مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سوره برائت (۱۳۹۳)، بررسی اصول کلی حاکم بر سوره برائت را از دیدگاه معظم‌له در پیش گرفته است. پژوهشی که بررسی تطبیقی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و مفسران معاصر فریقین در مسأله حکمرانی قرآن را در سوره برائت، به‌عنوان آخرین سوره نازل شده بر پیامبر (ص) را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد، یافت نشد.

سؤالات پژوهش

- روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در کشف مراد الهی از آیات چگونه است؟

- مبتنی بر دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای و تطبیق آن با آراء مفسران معاصر فریقین، مهم‌ترین ابعاد حکمرانی سوره برائت کدام است؟

۱- روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای، مفسر معاصر قرآن، تفسیر آیات را از سوره‌های با محوریت اجتماعی آغاز کرده و سیاست‌ورزی قرآن را مبنای شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. معظم‌له به‌منظور تبیین حقیقت مراد الهی، با تکیه بر ترجمه و شرح، لغت‌شناسی دقیق، قرائات، زمان و اسباب نزول، پیوند و تعاقب پی‌درپی آیات، تحلیل شرایط محیطی سیاسی و فرهنگی دعوت اسلامی و... شناخت آیات در بستر اجتماعی را پی گرفته است. ایشان در مرحله تبیین، ابتدا با تدبیر در آیات از راه عاقبت‌اندیشی و عمق‌بخشی به مفاهیم آیات اقدام نموده و قضایایی از آن‌ها استنباط داشته و با بهره‌گیری از جری و تطبیق جریان دادن مباحث سیاسی اجتماعی قرآن از دوره نزول بر عصر کنونی ایران و جهان، قرآن را به متن زندگی امروزی جامعه وارد کرده، در واقع تدبیر در آیات را، مقدمه فهم تطبیقات آن‌ها، کشف راه‌حل مسائل نظام اسلامی، شناخت جریان استکبار جهانی، مکاتب مارکسیستی و... قرار داده است. برای مثال ایشان در تفسیر آیه: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» (برائت: ۸)، ابتدا به ترجمه و شرح واژگانی چون ظهور به معنای غلبه، (ال) متعددی به معنای عهد، (ذِمَّة) به معنای التزام انسان بر عهد، (فسق) به معنای خروج (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۶۳۶) و... پرداخته و با بیانی

تدبری نقض‌کننده پیمان ایمان را فاسق می‌نامند، زیرا آنان با بیرون آمدن از تعهدات الهی: «اَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ» (برائت: ۹)؛ از خدا روی برتافتند. ایشان در تطبیق معارف آیات نیز این امر را همواره سیره مشرکان و اهل کتابی می‌داند که با وجود شناخت حقایق، مقابله با پیامبر (ص) و جامعه اسلامی را (به جنگ یا صلح) پیش گرفته و اسلام آنان را به‌عنوان خارج‌شدگان از مسیر توحیدی، لایق مقابله ضروری می‌داند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۷). ایشان همچنین با تکیه بر روایتی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳/۵۶۷) در ذیل آیه: «فَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (برائت: ۲۹)، مجوس را هم مصداق اهل کتاب می‌داند و دلیل اصلی مقاتله با اهل کتاب را، اعتقادات خرافی و خلاف توحید ناب آنان به الله برمی‌شمرد. معظم‌له با طرح اسباب نزول این آیات (جنگ تبوک) و بیان مستدل، سپاه اسلام را نیازمند تقویت روحیه دانسته و هر امر ممنوعی در جامعه اسلامی (مانند شرب خمر) را بر اهل کتاب و ذمه که اجازه بهره‌مندی از تمام مزایای حکومت نصب‌شان شده، نیز حرام می‌داند. پس رعایت قوانین جامعه اسلامی که امری کاملاً عقلایی و مطابق با عرف و صلاح کشور است، بر اهل کتاب و اهل ذمه ضروری می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۲۰). البته ایشان ضمن آنکه شوکت جامعه اسلامی را در قوت مبانی، عملی بودن احکام، وجود ضمانت‌های اجرایی روحی و اجتماعی آن بیان می‌دارد، با تفکیک میان حکم اسلام در مقاتله با اهل کتاب و مشرکان، جزیه را (از ریشه جزئی به معنای عوض مالی)، نام برده که اهل کتاب در برابر بهره‌مندی از مزایای جامعه اسلامی چون امنیت، آرامش، و... باید بپردازند. در مقابل به‌منظور رعایت عدالت، با استناد به روایتی از امام صادق (ع) (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۲۰۳)، مسلمانان در این جامعه را به تعهداتی فراتر چون پرداخت حقوق مالی (خمس و زکات)، شرکت در جنگ و... که اهل ذمه فارغ از آنند (پیشین، ۱۲۳)، ملزم می‌داند.

۲- خطوط کلی حکمرانی سوره برائت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

توجه به ظرفیت فراوان سوره برائت در استنباط قضایای مهم ساختار حکمرانی قرآن از یک‌سو، دیدگاه‌های تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای معطوف به حکمرانی قرآنی در مسائل اجتماعی سیاسی این سوره از سوی دیگر، تدقیق تطبیقی در آراء ایشان با سایر مفسران فریقین را می‌طلبد. سوره برائت یا توبه، بر مبنای ترتیب نزول و مضامین آیات آن، آخرین سوره مدنی است که در سال نهم هجری (پس از فتح مکه و پیش از حجه‌الوداع) بر پیامبر (ص) نازل شد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۴۹۶). محتوای کلی سوره به احکام جایگاه پیامبر (ص) و رهبر جامعه، موضع‌گیری‌های جامعه اسلامی در برابر گروه‌های مختلف، و وظایف اصحاب و مردم و... نظر دارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۲). آیت‌الله خامنه‌ای این موضع‌گیری‌های

قرآن در قبال مسائل اجتماعی و خطوط کلی حکمرانی برگرفته از تفسیر سوره براءت را که به ابعاد سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی در حکمرانی عنایت دارد، شامل عناوین ذیل می‌داند:

ردیف	احکام حکمرانی	آیات سوره براءت
۱	نمایش قدرت اسلام	۲۸-۲
۲	تشدید مخالفت‌ها به موازات افزایش نور حق	۴۰-۳۲
۳	موضع اسلام در برابر منافقان	۶۶-۴۲
۴	تحریض مؤمنان بر کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی	۹۷-۷۱
۵	ممتاز کردن اقشار مختلف از یکدیگر	۱۱۹-۱۰۰

تبیین هریک از این احکام حکمرانی بدین شرح است:

۲-۱. نمایش قدرت اسلام

از مهم‌ترین علل تلاش پیامبر (ص) در زدودن شبهه جزیره عربستان از شرک، ایجاد مرکزی در آن منطقه برای فرماندهی و تسهیل در رساندن دین به دیگر نقاط جهان بود؛ چراکه بر مبنای حکمرانی قرآن از مهم‌ترین مسائل هر شبکه منسجم اجتماعی، ایجاد مرکزی برای استقرار و اتخاذ تدابیر لازم است، به گونه‌ای که هیچ حکومتی بدون داشتن این پایگاه، ثبات و توسعه کمی و کیفی نخواهد یافت (پیشین، ۳۶). اسلام به منظور حساسیت، حفظ و توسعه این پایگاه هنگام مجاورت با دشمنان، موضع‌گیری‌های خاصی را ارائه کرده است، از جمله:

- تعیین مهلت برای معاندان: آیت‌الله خامنه‌ای، حکمرانی قرآنی مستدل آیات: «بِرَاءةٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ» (براءت: ۲) را تجلی قدرت اسلام در مهلت دادن به دشمنان برای پذیرش دعوت اسلام نامیده و این قدرت را تاکتیک مهم حکومت اسلامی نبوی (ص) در جلب نفوس، ثبات قدم در مؤمنان، بازگشت سران کفر به اسلام، عدم توان بازدارندگی دشمن علیه حکومت اسلامی و... دانسته و جنگ و جهاد با آنان در صورت عدم پذیرش و ایجاد مانع در سعادت حیات جمعی را نه تنها واجب، بلکه عامل مهمی در ازدیاد قدرت اجتماع ایمانی و کاهش سیطره اهل باطل بر اتباع خویش برشمردند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۴). گرچه تفسیر این آیات با بیانی مختصر یا مفصل، به اموری چون: دادن مهلت نشانه عدم اجبار اسلام بر پذیرش دین (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۵۲)، تخییر آزادانه میان رفتن یا ماندن همراه با ایمان به اسلام (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۱۴۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۱۱۶)، مقابله با معاندان در صورت

اصرار بر شرک و دشمنی با اسلام (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۷/۱۱؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۶/۱۰)، استقرار جبهه حق، منع باطل از فسادگری، عدم تبعیت از هوای نفس (مراغی، بی‌تا: ۶۶/۱۰)، بازداشت دشمنان از دست اندازی به حکومت اسلامی، به رسمیت شناختن قدرت اسلام، رعایت کرامت و حقوق مسلمانان (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۴/۷) نیز اشاره دارد.

- **عدم ترس از ابّهت دشمنان:** ترس از ابّهت دشمن تنها اختصاص به زمان قرار داشتن در اقلیت نیست، بلکه حتی پس از تبدیل شدن به قدرت حاکم در جامعه، این ترس می‌تواند منجر به وابستگی به دشمنان شود. از این رو خداوند هشدار می‌دهد: «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُوْكُمْ أَوْلَ مَرَّةً أَ تَخْشَوْنَهُمْ» (برائت: ۱۳). اکتفا به بیان معنای آیه (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۰/۹؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۵/۷)، دعوت به خشیت الهی (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۴۰/۱۰؛ مراغی، بی‌تا: ۶۸/۱۰؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۱۶۱۲/۳)، و لزوم جنگ با پیمان‌شکنان (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۳۰/۴)، از جمله برداشت‌های تفسیری این آیه است.

اما آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل حکمرانی ذیل آیه: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ» (برائت: ۱۴)، بیان می‌دارد: تاریخ نشان می‌دهد حکومت‌ها با عده‌ای کم، کارشان را از صفر شروع کرده، کسب قدرت می‌کنند و بعد از رسیدن به اوج قدرت، انحطاطشان آغاز می‌شود. سال‌های نهم و دهم پس از هجرت، مسلمانان که پیش از این در اقلیت و تحت سلطه دشمنان قرار داشتند، حال که با تشکیل حکومت اسلامی در اکثریت و قدرت حاکمند، باید با تکیه بر امریه معروف، نهی از منکر، توصیه به حق و صبر، به خطر انحطاط پس از رسیدن به اوج قدرت دچار نشده، و بر ترس خویش از هیمنه دشمنان غلبه کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۷۲)؛ چراکه قدرت اسلام نه تنها موجب غلبه آنان بر دشمنان شده، بلکه با زدودن فکر غلط و خرافی مردم بر اینکه «خدا باید همه کارها را درست کند»، این تفکر را موجب سلب مسئولیت، عامل جمود و رکود جامعه اسلامی، سرپوشی شرعی بر سستی در انجام وظایف (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۷۷) مطرح داشته، نابودی دشمنان را نیز به دست مسلمانان محقق می‌داند.

- **ابتلاء مؤمنان در ترجیح خدا بر غیر او:** آزمایش الهی عامل تشخیص مؤمنان از منافقان است (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۱۶۱۳/۳): «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَعَةٍ» (برائت: ۱۶). آیت‌الله خامنه‌ای امتحان الهی را در تحمل سختی برای رسیدن گروه مجاهدان و مخلصان خدا و رسول (ص) به هدف، و تفکیک مؤمنان واقعی از دیگران، رشد، تکامل و تقویت و ورزیدگی مردم در ابتلائات، نه صرفاً عاملی برای شناسایی (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۸۲)، برشمردند. و نیز ذیل آیه: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ

وَ أُنْبَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَتَّخِذُونَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ» (برائت: ۲۴)، ضمن دستور به مؤمنان بر ترجیح دوستی خدا و رسولش (ص) بر غیر او، قرار گرفتن با آنان در یک جبهه، عدم ترجیح روابط اجتماعی و بین‌المللی بر دستورات الهی از سوی حکومت اسلامی و مسلمانان، همراهی با یهود، نصارا و کفار را عامل رسیدن فرمان جنگ و جهاد الهی به مؤمنان در مقابله با دشمنان بیان داشتند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۰۱). اکتفا به معنای آیات در ابتلاء ایمان مؤمنان در دنیا (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۱/۹)، سنجش ادعای افراد در ایمان با جهاد در راه خدا (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۱۲/۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۳۵/۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۴۹/۱۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۲۰۳/۱۰) و یا در انتخاب تراحم حُب خدا با حُب دنیا (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۵۷؛ مراغی، بی‌تا: ۸۵/۱۰)، نیز از جمله پردازش تفسیری مفسران ذیل این آیات است.

- **تلنگر مؤمنان با شکست:** قرآن در طرح حکمرانی خویش، به مناسبت طرح جنگ حنین (که مسلمانان در آن شکست خوردند)، از سنت شکست به‌عنوان تلنگر و عامل هوشیاری یاد می‌کند: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثُرْتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ. ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (برائت: ۲۵-۲۶). آیت‌الله خامنه‌ای ضمن یادآوری فراز و فرود جنگ حنین، از نزول سکینه بر دل‌های مؤمنان، تلاش برای پیشرفت، ارسال نصرت الهی به‌منظور عدم احساس ناامیدی در شکست‌های ظاهری حتی زمان غرور مسلمانان به امکانات خود، لزوم عبرت‌آموزی از مشکلات پیش‌آمده، این فراز و نشیب‌ها را همچون کندن زمین برای بالا بردن ساختمان تعبیر کرده که برای پیشرفت حق لازم است اهل ایمان با هوشیاری بیشتر، تغییر مسیرهای موقت را ملاک قضاوت قرار ندهند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۰۸). ایشان همچنین این شکست‌های ظاهری را محدود به میدان نبرد ندانسته، بلکه با تسری آن به مشقت‌های مسائل مادی و نگرانی‌های اقتصادی و ترس از فقر ناشی از قطع تجارت با مشرکان، بر تضمین الهی به بی‌نیازسازی مؤمنان، در رها کردن سود تجارت با مشرکان، ذیل آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (برائت: ۲۸)، تأکید داشته و با اشاره به دو گروه از افرادی که با خروج مشرکان از مکه مخالف بودند (نخست: خود مشرکان که به‌دلیل وجود بت‌ها به مکه علاقه داشتند؛ دوم: مسلمانان کاسب و بازاری و ساکن در مکه که زندگی‌شان از معامله با مشرکان و دریافت حق دلالی می‌گذشت)؛ مصلحت‌اندیشی برخی مسلمانان در مخالفت با حکم این آیه در ممنوعیت ورود مشرکان به مکه را عامل بسته شدن بازارها دانستند. حال آنکه گرچه اجرای

حکم الهی موجب قطع ظاهری روزی شد، اما خداوند با عمل مؤمنان به تکالیف‌شان، راه آنان و مصالح جامعه اسلامی را باز خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۱۷). مفسران فریقین بدون التفات به حکمرانی قرآن، اکتفا به توضیح مختصر (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۳۵۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/ ۲۲۹؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/ ۶۴؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/ ۱۶۱۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/ ۱۵۴)، تقدیر مشیت الهی بر بی‌نیازی مؤمنان از غیرخدا (مراغی، بی‌تا: ۱۰/ ۹۱)، و رزاقیت الهی (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/ ۷۲)، را ذیل این آیات تفسیر کرده‌اند.

۲-۲. تشدید مخالفت‌ها به موازات افزایش نور حق

آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دوم از آیات سوره براءت پیرامون حکمرانی قرآن، توجه به شدت یافتن مخالفت‌ها به موازات گسترش حق و حقیقت در جامعه را مورد بررسی قرار داده‌اند. بدین معنا که از سنت‌های الهی در طول ارسال رسولان است که جریان حق همواره مخالفانی داشته و خواهد داشت که در تلاشند فروغ حق را کم، و نور هدایت الهی را خاموش دارند، و به‌میزانی که سخن حق مطرح می‌شود، برخورد باطل با آن را شدت دهند. اما با وجود تمام تلاش‌ها، این نور روز به روز فروزان‌تر می‌گردد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴۰). این بخش در قضایای مختلفی به تصویر کشیده شده است. از جمله:

- موضع‌گیری در برابر اهل کتاب: شواهد تاریخی نشان می‌دهد هر زمان حرف حسابی در اجتماع زده شود، مخالفت‌ها و سدّ راه شدن‌ها نیز افزایش می‌یابد: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ... هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (براءت: ۳۲-۳۳). آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این اصل راهبردی در حکمرانی قرآن، حقیقت نور اسلام و قرآن را امری الهی، قهری و طبیعی دانسته که روز به روز در حال تکامل است. اما به موازات آن، همواره کارشکنی‌ها و حُب ریاست اهل کتاب (یهود و نصارا) که با تحریف کتاب آغاز و به جنگ‌های خونین روم شرقی با اسلام خاتمه یافت؛ مانع پذیرش رسالت پیامبر (ص)، معرفی وارونه پیامبر (ص)، اختلاف‌افکنی و ایجاد شبهه در ذهن مسلمانان، یهودیان، مسیحیان و تحمیل جنگ‌هایی مانند بنی‌قریظه، بنی‌قینقاع و بنی‌نضیر تا جنگ موته و تبوک ... شده است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴۵). این افزایش مخالفت‌ها نه تنها نمی‌تواند مانع اجرای فرامین و احکام الهی شود، بلکه با تبیین فلسفه احکام، به‌خوبی می‌توان تقویت باورها و پایداری مردم بر اجرای احکام الهی در جامعه را شاهد بود. ایشان با توجه به موضع‌گیری اسلام در بیان فلسفه و علت احکام، ذیل آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (براءت، ۳۴)، تأکید می‌دارد در حکمرانی قرآن، تلاش بر همراهی حداکثری مردم

با قوانین الهی است. از این رو اسلام ابتدا با ایجاد زمینه برای اجرای حکم، فهم و ایمان عمیق و بی‌شبهه نسبت به حکم را برای مردم فراهم می‌دارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۵۲). تبیین فلسفه احکام، هر چند ممکن است در مقام اجرا موجب همراهی مردم نشود، اما آنان را از انکار و مقابله با احکام باز داشته، تا جایی که شرمندگی عدم اجرای دانسته‌هایشان را نیز به همراه دارد. شایان ذکر است تفسیر اجمالی یا تفصیلی عالم‌گیر شدن نور اسلام (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۲۴۷؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۳۸۹؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۷۴؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰/۱۰۶؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۶۴۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۱۶۳)، تنها برداشت تفسیری مفسران ذیل این آیات است.

- دعوت مسلمانان به جهاد مالی و منع از ثروت‌اندوزی: حکمرانی قرآن‌محور بر تنظیم روابط طبقات اجتماعی و کاهش فاصله‌های طبقاتی در جامعه تأکید دارد: «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (برائت: ۳۴). آیت‌الله خامنه‌ای ثروت را مانند خون در کالبد اجتماع در جریان می‌داند که باید به‌طور عادلانه و معین به تمام سلول‌های اجتماع برسد تا همه سلول‌ها به مقدار لازم از آن بهره‌برند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۶۳). ایشان فاصله‌گیری مسلمانان از صفت «زهد» را به دوره پیدایش جنگ‌ها و بردن غنائم مربوط دانستند که عده‌ای توانستند پول زیادی به جیب زنند. این خوی انباشتن مال و از دست دادن آن زهد و پارسایی که انحرافی در روش مسلمانان بود، در طول تاریخ حکام را بر آن داشت تا هر آنچه می‌توانند مال مردم را ذخیره و انبار کنند. وی با تأکید بر حکمرانی قرآن در مبارزه با تحصیل ثروت از راه نامشروع (مانند قمار و ربا)، بر توزیع عادلانه ثروت میان اقشار مردم از راه‌هایی چون: اداء صدقات واجب زکات، مالیات، خمس و کفارات، یا پراکنده کردن مال از راه ارث میان وراث اشاره نموده و شکل‌گیری طبقات نامتقارن در بهره‌مندی نامعقول از ثروت در جامعه را، عامل ایجاد جنایت‌های اجتماعی بسیار و امتناع از صرف ثروت در راه خداوند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۷۵) طرح می‌دارد. از این رو ایشان با تأکید بر هزینه ثروت در راه خدا را ذیل آیه: «... جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (برائت: ۴۱)، آن را مصداق جهاد نامیده که در کنار سایر اقسام مجاهدت‌های پیگیر مجاهدان مسلمانان از صدر اسلام تاکنون، عامل بقای اسلام و ضامن پیشبرد اندیشه اسلامی در جامعه شده است. توضیح آنکه به اعتراف خود مجاهدان همواره امتیاز و شخصیت آنان در سایه ایمان به خدا و روز جزا معنا یافته، نه مال و فرزند. این ایمان موجب می‌شود تا انسان سرمایه جان و مال خود را به‌قدر فهمش از اندیشه اسلامی خرج راهی دارد که هدفش را تأمین کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۲۳).

مفسران فریقین بدون التفات به مسأله حکمرانی قرآن، برداشت‌های تفسیری‌ای ذیل این آیات ارائه داشته‌اند. مانند: الغای خصوصیت از اعتاب اهل کتاب بر همه مسلمانان (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۰۲)، نهی زراندوزی (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۴۰۳؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۸۰؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰/۱۱۲؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۶۴۷)، امانت الهی دانستن ثروت در دست بندگان، کسب رضایت خدا در تصرف مال (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۰۲)، قوام اجتماع با مسائل اقتصادی، رواج فقر یا رواج غنای مفرط، عامل ایجاد اختلال در نظام اقتصادی جامعه (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۲۴۸)، فلج شدن نظام اقتصادی با عدم به‌کار انداختن ثروت در جامعه، تأکید بر وجوب و تقدم جهاد با مال بر جهاد با جان (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۱۸۰).

- امید به امداد الهی: افتخار به خاطرات بزرگ برای یک ملت، عامل مهم امید و قوت‌آفرین است (برانت، ۲۰۶). پیش از هجرت، مسلمانان در اقلیت جامعه آن روز بودند. نزول آیات: «إِلَّا تَتَّقُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ... إِلَّا تَتَّصِرُوا فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَآتَاهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا» (برانت: ۳۹-۴۰)، تازه‌مسلمانانی را مخاطب قرار داد که در جنگ طائف یا صلح حدیبیه یا در فتح مکه ایمان آورده و آن خاطرات شکوهمند گذشته اسلام از نظرشان پوشیده بود. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سبب نزول این آیات هنگام هجرت پیامبر (ص) به مدینه و گرفتاری در غار، از یک سو به نصرت قطعی الهی و پیروزی نهایی اسلام بشارت داده؛ از سویی دیگر با توبیخ و سرزنش و تهدید مسلمانان - که اگر پیامبر (ص) را یاری و جهاد نکنید، خداوند او را یاری خواهد کرد - ضمن هشدار به تسلط دشمن بر آنان و چشیدن ذلت، خواری و عذاب الهی، ایمان را در دل مؤمنان به گونه‌ای تقویت می‌کند که واهمه آنان از مواجهه با قدرت بزرگ روم شرقی و نارضایتی ناشی از سختی‌های جهاد برایشان را از میان برد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۹۵). ایشان می‌فرمایند مسلمانان گمان نکنند اگر به یاری پیامبر (ص) نروند، اسلام درجا خواهد زد، بلکه دین، مطابق با فطرت و نظام خلقت راه خود را پیش گرفته و با تشویق مؤمنان به یاری دین خدا فرا می‌خواند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۰۶).

عدم پرداختن به ابعاد حکمرانی این آیات و اکتفا به دلالت عام مدلول آن‌ها بر همه مؤمنان، تهدید به عذاب دنیوی و اخروی فرونشستگان از جهاد و مبارزه (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۲۸۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۴۲۳؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۱۰۳؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰/۱۲۲؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۶۵۶؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۱۷۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۱۸)، برداشت‌های تفسیری مفسران ذیل این آیات است.

۲-۳. موضع اسلام در برابر منافقان

آیت‌الله خامنه‌ای بخش سوم حکمرانی قرآنی سوره برائت را اختصاص به بررسی تهدیدهایی دادند که از جانب منافقان متوجه جامعه اسلامی می‌شود. زیرا تهدید این عده از تهدید کفار و مشرکان نیز بیش‌تر و خطرناک‌تر است. نفاق و حرکت منافقانه زمانی پدید می‌آید که فرد خود را در برابر دشمنی قدرتمند دیده، مجبور به پوشاندن هدف واقعی‌اش گردد. بنیان یافتن جامعه اسلامی و قدرت نظامی و سیاسی مدنی در قبضه فرامین پیامبر (ص)، بهانه رشد نفاق را فراهم کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۲۵). احکام مستنبط از حکمرانی قرآن در این بخش از سوره برائت عبارتند از:

- **عدم مماشات با منافقان بهانه‌جو:** در جنگ تبوک (۵۹.ق) از آنجا در مکانی دورتر از مدینه بود و دشمن خطرناک، پیامبر (ص) برای درک بهتر سربازان از این موقعیت خطیر و انجام بهتر نقشه کار، مقصد را که روم شرقی در منطقه تبوک بود، اعلام کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۲۷). اما منافقان با جبهه‌گیری علیه حکم الهی جهاد، از رفتن به جنگ سرباز زدند: «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيًّا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَا تَبُعُوكَ وَ لَكِنْ بَعُدْتَ عَلَيْهِمُ الشُّكَّةُ وَ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوْ اسْتَظَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ» (برائت: ۴۲)؛ آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر حکم راهبردی و جوب جهاد و ادامه بی‌بهانه حیات جامعه اسلامی (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۱۸)، منافقان منفعت‌طلب را بهانه‌جویانی توصیف می‌دارد که با نرفتن به جهاد و عدم پذیرش مسئولیت الهی، نه تنها خود را به هلاکت انداختند، بلکه موجب هلاک جامعه نیز شدند. توطئه منافقان حتی پس ورود پیامبر (ص) به مدینه در نامساعد کردن جو آنجا نیز ادامه داشت: «لَقَدْ ابْتَغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» (برائت: ۴۸). سیره منافقان در برابر رهبری نهضت بر آن بود که به بهانه‌های خرد و کلان درصدد فرار از حکم جهاد بودند: «... يَقُولُ ائْتِدُنْ لِي وَ لَا تَقْتِنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» (برائت: ۴۹). پس لازم است حاکمیت دینی در هر عصری از حوادث گذشته پند گرفته و نسبت به افراد ظاهرالصلاحی که دین را بازیچه مطامع خود قرار داده و پسند خود را بر پسند پروردگار مقدم می‌دارند، هوشیار باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۶۱). عذرخواهی این منافقان بهانه‌جو حتی پس از بازگشت شرافت‌مندانه مجاهدان اسلام از جهاد نیز مورد پذیرش نیست: «يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ

قَدْ تَبَّأْنَا اللَّهَ مِنْ أَخْبَارِكُمْ... سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِنُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجِسٌ... يَحْلِفُونَ لَكُمْ لَتَرَضُوا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (برائت: ۹۴-۹۶). آنان پس از جنگ تبوک، نه تنها خواستار عفو بودند، بلکه متوقعانه و با سوگندهای فراوان، خواستار رضایت جامعه ایمانی از خود شده تا به راحتی در اجتماع مؤمنان زندگی کنند: «يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُمَ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ» (برائت: ۶۲). خداوند با پیش‌بینی رفتار آنان، پیامبر (ص) را از مماشات و پذیرش عذرشان برحذر داشت و منافقان به جهاد نرفته را، مصداق فاسق برشمرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۴۶). آیت‌الله خامنه‌ای در تطبیق مصداق فاسق بودن منافقان ذیل آیه: «وَلَكِنْ كَرِمَ اللَّهُ أُنْبِعَانَّهُمْ فَنَبَّطَهُمْ» (برائت: ۴۶)، حضور آنان در صفوف مؤمنان را شرارت‌بار و فتنه‌انگیز خوانده، که ضروری است رهبران جامعه با دقت، کسانی که شایستگی ندارند را در کارهای بزرگ راه ندهند؛ چراکه خداوند متعال این توفیق را شایسته پاک‌نیتان و مخلصان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۴۵). ایشان به‌عنوان درس عبرت برای همه مؤمنان و رهبران جامعه اسلامی، با تقسیم افراد جامعه به سست‌عنصر و مؤمن، افراد بی‌مسئولیت در برابر وظایف‌شان را سست‌عنصر دانسته که مسلمان واقعی نیستند، اما برای زندگی در جامعه اسلامی، با توسل به سوگندهای دروغین، عذرتراشی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۲۴).

آیت‌الله خامنه‌ای از تبعات فسق منافقان را عدم پذیرش انفاقات آنان دانسته: «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (برائت، ۵۳)، و ضمن بازداشتن پیامبر (ص) و مؤمنان از شگفتی در برابر دارایی‌های فراوان منافقان: «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا» (برائت: ۵۵)، با اشاره به نقش انفاق در پُر کردن خلأهای جامعه اسلامی (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۹۲)، حکمت عدم پذیرش انفاق منافقان را منفعت‌طلبی، تمرد از دستورات شرعی، عدم کسب رضای الهی در انجام امور، عدم صرف این انفاقات به نفع انسانیت و حیات ابدی بیان می‌دارد. از این‌رو اگر پیامبر (ص) یا حکومت اسلامی این انفاق را از آنان بگیرد (از روی علاقه یا به اجبار)، تا با آن دشمنان دین را بکوبد، برایشان عذاب است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۰۳). مفسران فریقین به نکات حکمرانی این آیات التفاتی نداشتند (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۲۱/۱۰-۱۲۰؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰/۱۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۰۸؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۴۴۷؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۸۴؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۶۶۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۱۸۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۲۴).

- **عدم حضور منافقان مُخل در صف رزمندگان:** وجود غیرقابل اعتماد منافقان در عرصه‌های گوناگون (از جمله جنگ حنین) و ترس‌شان از دشمن، موجب ازهم‌گسیختگی و تزلزل در لشکر اسلام و جامعه اسلامی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۵۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۲۸-۱۲۹): «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ... لَقَدْ ابْتَغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلِ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ... مَنْ يَقُولُ أَتَذُنُّ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا...» (برائت: ۴۷-۴۹). خداوند با تأکید بر گزینش افراد مخلص و باایمان، به‌دوری از منافقان بی‌ایمان و فتنه‌انگیز در صفوف مؤمنان، هشدار می‌دهد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۴۳۴؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۶۶۴؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰/۱۳۱). زیرا در میان مسلمانان افرادی هستند که ممکن است وسوسه منافقان آنان را از میدان جنگ برحذر دارد. پس لازم است صفوف منافقان با مجاهدان جداگشته، تا از تزلزل در رأی، اضطراب و اغتشاش داخلی ضعف در قتال، مفسده در انسجام لشکر و... به‌دور باشند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۵۵).

از این‌روست که آیت‌الله خامنه‌ای هشدار قرآن بر حضور منافقان در میان ملت مؤمن را مخالفت با جریان عمومی حیات اجتماعی داخلی مسلمانان دانسته: «إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلِ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ فَرِحُونَ» (برائت: ۵۰)، و در تبیین الزامات حکمرانی قرآنی و با استناد به روایتی (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۶۳۵) که انسان‌ها را همچون پیکر واحد موجودی زنده تلقی می‌کنند، وجود منافقان در داخل جامعه و حکومت اسلامی و بهره‌مندی‌شان از منافع اجتماعی از صدر اسلام تاکنون را، مخالف با اهداف پیامبر (ص) می‌دانند. آنان علاوه بر این روحیه منفعت‌طلبی، از هر موفقیت مسلمانان در غمگین و ناخوشنود بوده، اما از وقوع جنگ یا مصیبت برای پیامبر (ص) و مؤمنان خرسندند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۶۶).

روحیه منفعت‌طلبی منافقان تا بدانجا بود که با وجود تشخیص پیامبر (ص) بر عدم اعطای صدقات به آنان، بر پیامبر (ص) خشم گرفتند: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْحَطُونَ» (برائت: ۵۸) آیت‌الله خامنه‌ای با تدبیر و کاربردی‌سازی حکمرانی قرآن در مبارزه با فقر و رعایت حقوق عمومی، به رذیله تنگ‌نظری و منفعت‌طلبی منافقان در عدم تبعیت از عدالت اجتماعی از سوی حاکمان اشاره کرده و می‌افزاید رهبر جامعه برای داشتن حکمرانی دینی و عقلانی، باید بدون توجه به منفعت‌طلبی گروهی خاص، به فلسفه مصارف بیت‌المال توجه تام داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۳۵). این نوع برداشت ناظر به حکمرانی قرآنی مورد التفات هیچ‌کدام از مفسران فریقین نبوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۸/۹؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۶/۷؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۱۰/۱۰؛ مراغی، بی‌تا، ۱۰/۱۳۶؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۱۶۶۵/۳؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۹۴/۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۳۵؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۸۱).

- توجه به توطئه منافقان علیه رهبر جامعه اسلامی: نقش مخرب منافقان در طول تاریخ نشان می‌دهد آنان به دلیل عدم برخورداری قول و فعل‌شان از برهان و به گم‌گام یافتن نقطه ضعف از پیامبر (ص) و مؤمنان، منطق طرف مقابل را به استهزاء کشانده (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۴۷۸) و توطئه‌هایی چون نقشه قتل پیامبر (ص)، ساخت مسجد ضرار و... را پیش گرفتند: «وَلَيْتِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤْنَ. لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعَفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» (برائت: ۶۵-۶۶). آیت‌الله خامنه‌ای با نظر به حکمرانی قرآن، سازش جامعه و حکومت اسلامی با حرکت‌های مفسدانه منافقان را تا هنگامی می‌داند این نفاق‌شان علیه جامعه اسلامی نباشد. اما به محض اقدام عملی آنان علیه اسلام و ضرر جامعه اسلامی، قابل بخشش و گذشت نخواهند بود (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۶۷). از این رو ایشان تأکید می‌دارد: اسلام انتقام‌جو نیست و منافقان و مشرکان توبه‌کننده را می‌بخشد: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِيَّاهُ الْإِحْدَى الْحُسَيْنِيِّ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا» (برائت: ۵۲). آیت‌الله خامنه‌ای ضمن طرح ماجرای تاریخی این آیه بعد از تخریب مسجد ضرار و بخشش افراد زیادی چون عبدالله بن ابی (رئیس منافقان مدینه)، بیان می‌دارد اساس اسلام بر اغماض و عدم انتقام‌جویی در صورت پشیمانی از گذشته دشمنان است. ایشان به عنوان مصداق به وحشی (قاتل عمویش) اشاره کرده، می‌افزاید: کسانی چون ابوجهل، با آن همه اقدام و آسیب علیه پیامبر (ص)، اگر از گذشته خود برگردند، اسلام نیز تمام بدی‌هایشان را فراموش می‌کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۸۷).

آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه و با رد استهزاء و آزار پیامبر (ص)، یکی از بزرگ‌ترین ارکان معنوی جامعه دینی و از وظایف مهم حاکمان را ارزش‌آفرینی برای مردم، ذیل آیه: «يَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِ أُمَّةٍ أَدْنَىٰ قُلُوبِ كَثِيرٍ لِّكُمْ» (برائت: ۶۱)، یادآورده شده و با تفکیک میان زودباوری مذموم و حسن استماع سخنان مردم از سوی حاکم جامعه، استماع سخن یا انتقاد افراد با روی گشاده را از وظایف مهم رهبر جامعه یا رئیس حکومت برمی‌شمرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۳۱). مفسران فریقین بدون التفات به حکمرانی قرآن ذیل این آیات، به شرح برخی نکات تفسیری و تاریخی در رعایت عدالت اجتماعی بسنده کردند (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۶۶۸؛ مراغی، بی‌تا، ۱۰/۱۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۱۴؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱۶؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۱۳۶؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۲۱۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۴۷).

۲-۴. تحریض مؤمنان بر کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی

آیت‌الله خامنه‌ای در بخش چهارم از حکمرانی سوره برائت، با برانگیختن مؤمنان بر قتال و برخورد با متخلفان از جهاد، ایشان را به مراقب از رفتارهای ناهنجار کسانی توجه می‌دهد که به ظاهر در جبهه خودی بوده، اما اعتقادات آن‌ها را باور نداشته و با بی‌بصیرتی نسبت به ناهنجاری‌ها، روحیه خودتحمیری را به جامعه تزریق و همواره اهداف اجتماعی نظام اسلامی را مورد تهدید قرار داده‌اند. مفسران فریقین ذیل این آیات برخی نکات تفسیری مانند: عدم خیانت معذوران به حکومت، نکوهش منافقان بر عذرتراشی و عدم الحاق به مجاهدان (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۶۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۲۴۶؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۵۸۳)، توجه به امور عام‌المنفعه امت اسلام (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۱۷۹؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰/۱۸۲)؛ اشاره به برخی شروط قدرت و اخلاص، عدم خدعه (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۸۶؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۶۸۵؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۸۲)؛ و... اشاره کردند، اما بدون پرداختن به لزوم شناخت این جریان در عصر کنونی و لزوم تفکیک مؤمنان از آنان، التفاتی به نکات حکمرانی این آیات نداشتند. مهم‌ترین احکام این بخش عبارتند از:

- اجرای امر به معروف و نهی از منکر: کنترل ناهنجاری‌های جامعه اسلامی، با طرح احکام اجتماعی چون امر به معروف، نهی از منکر، اقامه نماز، ایتای زکات، پیوند میان مؤمنان، در سایه اطاعت از خداوند و رسولش (ص) میسر است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» (برائت: ۷۱) آیت‌الله خامنه‌ای با تفسیری تدریجی، امر به معروف و نهی از منکر را از سنن الهی، عامل احیای روح اسلام، پایداری هدف پیامبر (ص) در اجتماع، عدم ارتجاع و انحطاط جامعه اسلامی بر شمرده و وجود عمومی و مطلق این دو بر همه مؤمنان را منوط به آگاهی آنان، دانسته است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۴۰۱). ایشان با استناد به روایات، عمل به این دو واجب را نشانه عزت هر ملتی (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۸)، رها کردن آن‌ها را موجب ذلت و عدم رعایت شعائر دینی (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷/۶) می‌داند، به گونه‌ای که اگر از صدر اسلام تاکنون، این دو واجب مراعات می‌شد، یقیناً روح اولی اسلام محفوظ می‌ماند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۴۰۷).

- لزوم پشتیبانی مجاهدان از سوی معذوران شرکت در جهاد: جامعه اسلامی برای گروه‌های گوناگون در وضعیت‌های سخت، مسئولیت‌های مانند جهاد تبیین می‌دارد: «لَيْسَ عَلَيَّ الضُّعْفَاءُ وَلَا عَلَيَّ الْمَرْضَى وَلَا عَلَيَّ الَّذِينَ لَا يُجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرْجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا عَلَيَّ الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ...» (برائت: ۹۱). آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر پذیرش عذر معذوران در معافیت از جهاد، و رد انفعال آنان در جامعه، ایشان را عهده‌دار وظیفه پشتیبانی و فعالیت‌های اجتماعی خیرخواهانه برای حکومت اسلامی، متناسب با شرایطشان می‌داند. البته شایان ذکر است این آیه پشتیبانی از مجاهدان را وظیفه معذوران می‌داند که مسئولیت‌پذیر بوده و از انفعال به دورند. اما طبقه ثروتمند جامعه که اغلب نازپرورده و پرتوقعند و کمتر حاضرند از جان خود گذشته و قدم در میدان خطر نهند، از پیامبر (ص) تقاضا می‌کنند در جهاد همراه مسلمانان نباشند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۰۹): «...أُولُو الطُّولِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ. لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ» (برائت: ۸۶-۸۸). از این رو آیت‌الله خامنه‌ای با مستنثا دانستن این گروه، با بیانی مستدل تلاش برای حضور در میدان‌های سخت انقلاب و نهضت اسلامی را برای ثروتمندان دشوار، و برای فقرا و طبقات عموم مردم که طعم فقر و نداری را چشیده‌اند، آسان می‌داند.

- **مراقبت رهبران بر وضعیت اعتقادی بادیه‌نشینان:** مؤمنان و به‌خصوص رهبران، باید با مدیریت روحیات و سهم بادیه‌نشینان (مفید باشد یا موجب خطر) در حکومت، برای آنان برنامه‌ریزی کنند: «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ» (برائت: ۹۷). آیت‌الله خامنه‌ای بر پایه تدبیر در آیه، بسته و محدودتر بودن جامعه روستایی نسبت به اجتماعات شهری را عامل تشدید تعصبات و تنازعات در روستاها از یک‌سو، و دوری آنان از موج تبلیغات فرهنگی اسلام بیان می‌دارد. از این‌رو اهل بادیه اگر به باطلی ایمان داشته باشند، ایستادگی شدیدتری داشته و اگر مؤمن باشند عموماً ایمان شدیدتری دارند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۵۵). بنابراین ضروری است پیش از سوءاستفاده دشمن، از ظرفیت ایستادگی ایشان برای اهداف جامعه اسلامی بهره‌گرفت.

۲-۵. ممتاز نمودن اقشار مختلف از یکدیگر

آیت‌الله خامنه‌ای در پنجمین بخش حکمرانی قرآنی سوره برائت، بر وجود عدم فضیلت یکسان میان اقشار مختلف جامعه تأکید داشته و این امر را در احکام زیر تبیین داشتند:

- **اولویت سابقون در ایمان بر دیگر مؤمنان:** در همه ادوار، عده‌ای از مؤمنان در ایمان و عمل صالح از دیگران سبقت می‌گیرند: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» (برائت: ۱۰۰). آیت‌الله خامنه‌ای از این آیه سبقت‌گیرندگان در زمان غربت و تنهایی اسلام در جامعه را مهاجر و انصاری زمان‌شناس می‌داند که در دوران ضعف اسلام و قدرت و شوکت دشمنان، مجبور به تحمل سختی‌ها و مهاجرت شدند. از این‌رو بر سایر مؤمنان اولویت دارند؛ زیرا هنگامی که اسلام حکومتی مقتدر شد، همه اقشار پیوستن به این مدنیت و حکومت مرکزی را مغتنم می‌دانند و دیگر هجرت کار مشکل و با فضیلت نیست (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۶۳). رضایت الهی بر سه گروه پیشگام در ایمان (مهاجران، انصار و تابعان) و تساوی‌شان با گروه‌های بعدی در اجر (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۱۹۳؛ مراغی، بی‌تا: ۱۱/۱۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۲۶۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۷۴؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱۰۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۹۸؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۷۰۴)، برداشت‌های تفسیری مفسران، بدون التفات به مسأله حکمرانی تقدم و اجر دوچندان گروه پیشگام از مؤمنان بر سایرین است.

- تقدم منافع جمعی بر منافع فردی: سازندگی و تقویت جنبه اجتماعی حکومت اسلامی، با ایثار در پرداخت و ترویج انفاقات مالی میسر شده و مانع ایجاد اقتصاد سرمایه‌داری می‌شود: «حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (برائت: ۱۰۳). آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تفاوت نگاه اسلام با نظام‌های سرمایه‌داری کنونی، در ذیل این آیه، شرط مهم برای رشد و تعالی جامعه و نفی خویشترپرستی در انسان را، گذشت افراد از یکدیگر و تقدم مصالح جمع بر منافع فرد بیان کرده و به مراقبت از دام سرمایه‌داری و افتادن در چاه ویل کمونیست که حق مالکیت شخصی را مردود می‌داند، هشدار می‌دهد. ایشان عمده مشکل صاحبان ثروت در عدم امتثال تکالیف شرعی‌شان را، تفکر تقدم منافع فردی بر منافع اجتماعی آنان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۱۱). گرچه اکثریت مردم به همراهی با جریان غالب و زندگی در سایه آسایش تمایل دارند: «وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ» (برائت: ۱۰۶). اما آیت‌الله خامنه‌ای سرنوشت این راحت‌طلبان که شامل دو گروه (همه آنان از منافقان نیستند) را به امر الهی موکول می‌داند؛ آنان یا ایمان در دل‌هایشان نفوذ کرده و عاقبت به‌خیر شدند، یا برای جامعه اسلامی موجب خسارتند و با وجود آنکه نقشه‌ای برای ضربه به ارکان جامعه اسلامی ندارند، همواره جز ایجاد زحمت برای مردم و جامعه، نتیجه‌ای به‌دنبال ندارند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۹۸). پس لازم است با رهبری و مدیریت آنان شرشان برای جامعه کاهش یابد. مفسران فریقین بدون پرداختن به مسائل حکمرانی، برخی مسائل تفسیری مانند پرداخت زکات (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۷۷؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۱۹۶؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۷۰۸)، و نقش آن در طهارت فرد و جامعه (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۲۰۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱۱۸؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۷؛ مراغی، بی‌تا: ۱۱/۱۶)، طهارت از ریای اجتماعی، مسئولیت اجتماعی (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۲۷۱) را اشاره کرده‌اند.

- نفی ارتباط با پوسته‌های بی محتوا یا ضد محتوا با اسلام: در اسلام اموری وجود دارد که گرچه دارای حکمت است، اما گاهی بر اثر اهداف مغرضانه یا از روی نادانی، در عکس جهت حکمت خویش و خلاف حرکت اصلی امت، به کار افتاده (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۲۱۰)، و موجب انحراف گشته که باید از آن برحذر بود: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ... أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ... لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ» (برائت: ۱۰۸-۱۱۰). بررسی اجمالی سوءنیت بانیان مسجد ضرار، موضع قاطع خداوند و رسول (ص) در این خصوص، اهمیت احداث مسجد قبا بر اساس تقوا، توجه به لجاجت منافقان (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۹۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱۴۶؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۰/۲۰۸؛ مراغی، بی تا: ۱۱/۲۹؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳/۱۷۱۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۲۸۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۷)، از جمله نکاتی تفسیری مفسران فریقین ذیل این آیات است. حال آنکه آیت الله خامنه‌ای با بیان گزارشی تاریخی از ماجرای مسجد ضرار که به دستور الهی تخریب شد، نحوه موضع‌گیری اجتماعی با گروه (سازندگان آن و مردم) را این‌گونه تبیین می‌دارد: هرگاه در اسلام ظاهر عملی از محتوای واقعی خود تهی شد، با عدم اعتماد به ظواهر و پیوسته، ملزم به پیروی از پیامبر (ص) هستیم. در اینجا مسجد که باید مکانی برای توجه دادن دل‌ها به خدا باشد، در جهت عکس و فراموشی پرودگار به کار رفت. پس چنین مسجدی را باید آتش زند (پیشین، ۶۰۷). ایشان در بیان تطبیق می‌افزاید: بر مردم فرض است که در تمام دوران‌ها آگاه بوده، نگذارند ظاهر بر باطن ترجیح و قربانی شده و قرآن که برای روشنی و هدایت افکار است، ابزار گمراهی شود (پیشین، ۶۰۹).

- جهاد ضرورت دفاعی

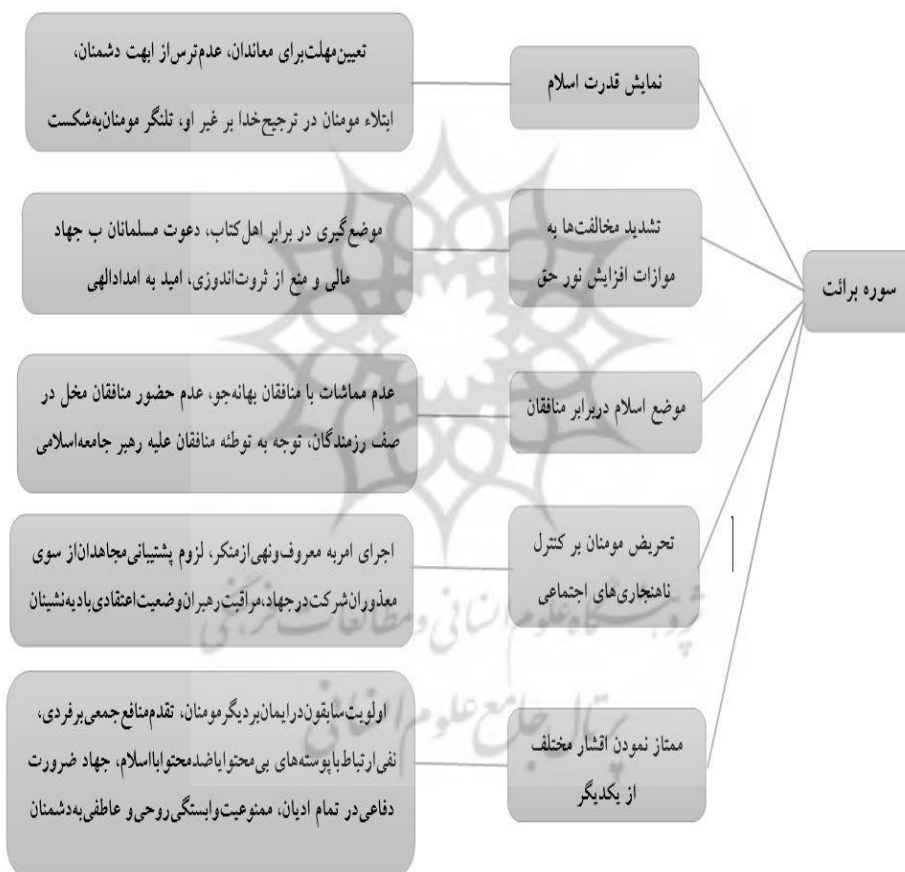
در تمام ادیان: مسأله جهاد و وعده الهی به مجاهدان، مورد تأیید همه شرایع و کتب آسمانی است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ...» (برائت: ۱۱۱). تفسیرهای مجمل یا مفصل بر تشریح حکم الهی جهاد در تمام ادیان، ملت‌ها و زمان‌ها، در راستای تقویت جبهه حق و اقامه دین (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۲۱۷)، اشتراک وعده بهشت در عوض جهاد در شرایع الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱۵۳؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۰/۲۱۴؛ سیدقطب، بی تا: ۳/۱۷۲۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۹؛ مراغی، بی تا، ۱۱: ۳۱)، ضرورت تبعیت مؤمنان راست‌گو از حکم جهاد در هر عصر (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۲۸۴)، از جمله نکات تفسیری مفسران فریقین ذیل این آیه است، اما آیت الله خامنه‌ای جهاد را به‌عنوان راهبردی حکیمانه و مشترک در همه ادیان دانسته که با آمدن پیامبر و دین تازه‌ای از جانب

پروردگار و دعوت مردم به آن، حتماً طبقاتی در اجتماع منافع‌شان به‌خطر می‌افتد، از این‌رو لازم است با آنان وارد نبرد شد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۰۷). بنابراین در همه ادیان، به‌خصوص اسلام، جهاد فی‌سبیل‌الله و لزوم شرکت در آن تعریف شده است. از شگفتی‌های حکمرانی قرآن این است که در پوشش یک حکم کوچک، حکمی بزرگ را بیان می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (برائت: ۱۲۳). آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است این آیه تسلط و جهان‌شمولی اسلام بر همه جهان، تا رفع کامل کفر از عالم، و اتصال مرزهای درالاسلام به یکدیگر ادامه دارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۶۹).

- ممنوعیت وابستگی روحی و عاطفی به دشمنان: خداوند متعال به‌عنوان قضیه‌ای مهم در حکمرانی قرآن، منع هرگونه وابستگی به مشرکان و کافران را دستور می‌دهد: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ. وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» (برائت: ۱۱۳-۱۱۴). مفسران فریقین بدون التفات به حکمرانی قرآن ذیل این آیات، به‌شکل مختصر بر عدم جواز استغفار پیامبر (ص) و مسلمانان برای مشرکان (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۲۲۶)، لزوم قطع پیوند با دشمنان (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱۶۲)، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۳۹۷؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰/۲۱۶؛ مراغی، بی‌تا: ۱۱/۳۸؛ سیدقطب، بی‌تا: ۳/۱۷۲۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴/۲۹۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۱/۶۱)، تأکید کرده‌اند. اما آیت‌الله خامنه‌ای به استناد آیه مذکور و روایات (مجلسی، ۱۴۱۱: ۷۴/۴۲۱)، هرگونه پیوستگی و وابستگی فکری، روحی، اقتصادی و... مسلمانان به کافران را نفی کرده (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۳۲)، و کسانی که در مقابل اسلام و در جبهه کفر هستند را گرچه در ظاهر مؤمن به خدا باشند، در زمره کافران می‌داند. این نفی از یک‌سو حتی لطیف‌ترین نوع وابستگی، یعنی وابستگی عاطفی که گام نخست ورود مسلمانان به جبهه کفار است را دربرمی‌گیرد (پیشین، ۶۳۳)؛ از سویی دیگر در حکمرانی قرآن، مؤمنان به تقوا و همراهی با رهبران صادق فرمان داده شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (برائت: ۱۱۹). آیت‌الله خامنه‌ای مراد از صادقان را تنها راستگویان در گفتار نمی‌داند، چه‌بسا افرادی که در راه ضلالت بوده و از ضلالت خود صادقانه خبر می‌دهند. بلکه آیه صادقان در جامعه اسلامی را کسانی می‌داند که همه عمر و نیروی خود را وقف خدا و انجام تکالیف او کرده، و قول و عمل‌شان یکی می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۴۷)، نه کسانی که گفتارشان غیر از رفتارشان است.

نتیجه‌گیری

حکمرانی قرآن کریم، استقرار و حاکمیت مجموعه قضایای است که بر فرد و اجتماع حاکم شده، و تعالی انسان و ارزش‌های الهی میان آنان را به دنبال داشته و با تقدم قضایای مرتبط با رابطه انسان و خدا، بر سایر احکام، با تولید قضایای اجتماعی حاکم میان عموم مردم، موجب ارزش یافتن روابط اجتماعی می‌شود. احکام حکمرانی در سوره براءت که به صورت خاص تنها در دیدگاه‌های تفسیری، تدبیری و تطبیقی آیت‌الله خامنه‌ای قابل ملاحظه بوده و قابلیت انطباق و اجرا برای حکمرانی جوامع اسلامی را دارد، در نمودار ذیل قابل مشاهده است:



بنابراین یافته‌های پژوهشی تحقیق حاضر عبارت است از:

– آیت‌الله خامنه‌ای، مبتنی بر تدبیر در آیات و تطبیق آن بر شرایط کنونی جوامع دینی و غیردینی و انقلاب و غیرانقلابی، بخشی از قضایا حکمرانی قرآنی سوره براءت را معطوف به رابطه انسان با

خدا، برخی دیگر به رابطه انسان‌ها با یکدیگر مرتبط می‌داند. گرچه اغلب سایر مفسران معاصر با رویکرد سیاسی و اجتماعی در قضایایی از جنس ظهور الفاظ با ایشان همراهند، اما در احکام تطبیقات آیات و قضایای مستنبط از تدبیرها، روش ایشان منحصر به فرد است.

- معظم‌له احکام سوره براءت که شامل تاکتیک‌های اسلام در برابر کفار، مشرکان، منافقان و اهل کتاب است را استراتژی مجاهدانه پیامبر (ص) از ابتدای دعوت تا رسیدن به اوج اقتدار و تشکیل جامعه اسلامی در عرض ۲۳ سال، یکی دانسته، هر چند تاکتیک‌ها را نقشه‌هایی متغییر و کوچک می‌داند که از کنار هم قرار گرفتن آنها خطی بزرگ و گسترده نظام حکمرانی قرآنی شکل می‌گیرد.

- حکمرانی قرآن آزادی مطلق را تنها برای پروردگار بر شمرده که ارزش‌های عمومی جامعه تنها از سوی او مشروعیت یافته و پیروی از قوانین الهی، نه تنها تخلف‌ناپذیر است، بلکه اصولاً حکومتی که در چارچوب قوانین الهی نباشد، حکومت غاصبانه‌ای است که خداوند آن را مشروع نمی‌داند. از این رو تقویت معرفت و بینش در گفتار و عمل، پالایش و برخورد منطقی با قوانین غیراسلامی، از مهم‌ترین وظایف رهبران جامعه اسلامی می‌باشد.

- تقلیل ایمان مردم به جهت گرفتار آمدن به دنیاپرستی، مال‌دوستی و منفعت‌طلبی، غرور، رشد پدیده نفاق، خوش‌بینی و دل‌سوزی بی‌جا نسبت به دشمنان، سستی در جهاد، گردآوری مال و عدم هزینه کرده آن در راه مصالح امت اسلامی، ایجاد فاصله طبقاتی، اکتفا به ظاهر و پوسته دین و شعائر دینی و... از جمله چالش‌هایی است که آیت‌الله خامنه‌ای آن‌ها را با شرح و تدبیر در جوانب گوناگون، نه تنها گریبان‌گیر جامعه اسلامی مدنی می‌داند، بلکه براساس تطبیق می‌تواند سایر جوامع را به دلیل بی‌اعتنایی به احکام اسلامی مبتلا نماید.

آیت‌الله خامنه‌ای شکل‌گیری مرکز مناسب برای حکومت اسلامی، گسترش دین، تربیت مردم، خالص‌سازی جوامع از جریان کفر، ضرورت تقویت بینش جذب‌شدگان به قدرت اسلام، رشد تقوا و ظرفیت‌های مردم، تقویت جایگاه مؤمنان، اقدام و آمادگی مؤمنان به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، چگونگی جهاد و کنترل روابط مسلمانان با کفار و مشرکان، قتال با اهل کتاب، تقویت روحیه ایثار، مبارزه با فقر، جهاد مالی، تنظیم روابط تجاری اقتصادی، تنظیم روابط میان نهادهای دولتی و مردمی، منع تهی کردن محتوای دین از رفتارها و نهادهای دینی، دفع افسد به فاسد در حکومت اسلامی، تحریم مؤمنان به برخورد با متخلفان از جهاد، کیفیت ولایت، عدم ولایت کفار و... از مهم‌ترین احکام حکمرانی قرآنی سوره براءت، جهت برپایی و استقرار جامعه متعالی اسلامی می‌داند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۴۰۷ق). شریف‌رضی، سیدمحمدبن حسین، تحقیق: صبحی صالح. دارالهجره.
۳. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی‌تا). التحرير والتنوير. بی‌جا: بی‌نا.
۴. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴ش). شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم. قم: تمهید.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، نرم افزار حدیث ولایت. قم: مرکز علوم اسلامی نور.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱ش). تفسیر سوره براءت. تهران: انقلاب اسلامی.
۷. راغب‌اصفهانى، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۸. رضا، محمدرشید (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. دارالمعرفة.
۹. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسلامی.
۱۰. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
۱۱. قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۱۲. عروسی حویزی، علی‌بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب‌الإسلامیه.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۱ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار (ع). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دارمحبی.
۱۶. مراغی، احمدمصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی. بیروت: دارالفکر.
۱۷. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب‌الإسلامیه.